

## مطالبه ضرر و زیان ناشی از نقض حق ترجمه اثر

پژوهشگاه قوه قضاییه\*

### مشخصات رأی

شماره دادنامه: ۹۲۰۹۹۷۰۲۷۹۲۰۰۰۴۲

تاریخ رسیدگی: ۹۲/۶/۲۰

مرجع رسیدگی: شعبه ۵۴ دادگاه عمومی حقوقی تهران (شعبه ویژه منابع طبیعی)

خواسته: مطالبه خسارت و ضرر و زیان

### دادنامه بدوی

«درخصوص دعوی آقای ا.ا. به‌عنوان رئیس س.س. به طرفیت: ۱-م.س.؛ ۲-ع.ر.، به خواسته مطالبه خسارت و ضرر و زیان به شرح دادخواست تقدیمی بدین توضیح که خواهان اعلام نموده که کتاب «انگلیسی برای دانشجویان رشته ...» که به زبان انگلیسی و فاقد ترجمه بوده جهت استفاده دانشجویان این رشته چاپ می‌گردید ولی خوانندگان در قالب انتشاراتی به‌نام انتشارات ج. اقدام به ترجمه این کتاب و انتشار آن با نام «راهنمای کامل انگلیسی برای دانشجویان رشته ...» نموده‌اند و با توجه به اینکه به‌موجب قرارداد شماره ... مورخ... بین صاحبان اثر (آقای م.ح. و خانم م.الف.) و س.س. خواهان مقرر گردید که حقوق مادی پدیدآورندگان اثر اعم از اقتباس و ترجمه و ... متعلق به خواهان بوده و با رضایت س.س. قابل انتقال خواهد بود (که روگرفت قرارداد ضم پرونده می‌باشد) و با توجه به اینکه ترجمه اثر به شرح پیش‌گفته و انتشار وسیع آن، باعث گردیده که خریداران این اثر، اقدام به خرید ترجمه فارسی آن نمایند و درنتیجه، فروش و

\* تهیه شده توسط مهدی کارچانی، پژوهشگر پژوهشکده حقوق خصوصی پژوهشگاه قوه قضاییه

انتفاع خواهان از آن به حداقل رسیده، دادخواست فوق را تقدیم دادگاه نموده‌اند. خوانده ردیف اول با حضور در جلسه دادرسی و تقدیم لوایحی، دفاعیات خود را تقدیم دادگاه نموده است؛ ولی خوانده ردیف دوم با وجود ابلاغ و استحضار در جلسه دادرسی حاضر نگردیده و لایحه‌ای نیز تقدیم دادگاه ننموده است. نظر به مراتب فوق و با توجه به اینکه: اولاً بنا به مراتب پیش‌گفته و با توجه به قرارداد مورد اشاره، حق ترجمه اثر مورد دعوی متعلق به خواهان بوده و هیچ شخصی بدون اجازه خواهان، حق ترجمه و انتشار آن را نداشته است. خوانندگان دلیل و مدرک موجه و محکمه‌پسندی که حاکی از أخذ مجوز بوده تقدیم دادگاه ننموده‌اند؛ ثانیاً، خوانده ردیف اول در لوایح تقدیمی صرفاً عرف و رویه متداول در ترجمه و انتشار این‌گونه کتب را به‌عنوان دلیل و عذر خود در این اقدام اعلام نموده است درحالی که با وجود قرارداد و مانع قانونی رویه خلاف آن نمی‌تواند دلیلی بر تضييع حقوق افراد گردد؛ ثالثاً، با توجه به سهولت استفاده از ترجمه کتاب‌های خارجی و اقبال عموم افراد جامعه از آن، فروش بیشتر کتاب‌های ترجمه‌شده امری مسلم و بدیهی بوده و در نتیجه این امر، ورود خسارت به خواهان نیز اظهر من الشمس می‌باشد؛ رابعاً، دادگاه جهت ارائه اسناد و بررسی أخذ مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد توسط خوانندگان جلسه دادرسی تشکیل داده و به بررسی موضوع پرداخته است که نتیجه جلسه دادگاه و اظهارات طرفین آن است که به‌نظر دادگاه صرف‌نظر از صحت و یا سقم اقدام آن وزارتخانه در صدور مجوز با توجه به اقدام خارج از قرارداد و قانون خوانندگان و ورود ضرر به خواهان وجود مسئولیت مدنی خوانندگان محرز و مسلم است؛ خامساً، دادگاه جهت بررسی فنی‌تر موضوع و نیز اطلاع از میزان خسارات مادی وارد به خواهان، اقدام به صدور قرار ارجاع موضوع به کارشناسی نمود و کارشناس منتخب با بررسی پرونده و اظهارات طرفین و اصول اسناد و مدارک ایشان میزان خسارت وارده را تعیین نمود که مورد اعتراض خوانده ردیف اول قرار گرفت و نامبرده بدون اعتراض به این نظر از لحاظ فنی و کارشناسی صرفاً با ذکر دلایل و معاذیر قبلی خود و بدون تقاضای ارجاع موضوع به هیئت کارشناسی، از خود نفی مسئولیت نموده است. در نتیجه، به‌دلیل عدم اعتراض موجه و مؤثر به نظریه کارشناسی این نظریه به نظر دادگاه منطبق با واقع تشخیص می‌گردد.

در نتیجه، نظر به مجموع مستندات و استدلالات اشاره شده، دادگاه، دعوی خواهان را وارد تشخیص، مستنداً به مواد ۲ و ۸ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۱ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲/۱۰/۶ و مواد ۴، ۲ و ۶ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱، حکم محکومیت تضامنی خواندگان را به پرداخت مبلغ یکصد و بیست و دو میلیون ریال بابت خسارات مادی وارد به خواهان صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره نسبت به خواننده ردیف اول حضوری و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد و نسبت به خواننده ردیف دوم، غیابی، محسوب ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل واخواهی در همین شعبه و سپس ظرف بیست روز قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.»

### مشخصات رأی

شماره دادنامه: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۰۰۲۷

تاریخ رسیدگی: ۹۲/۶/۲۰

مرجع رسیدگی: شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

تجدیدنظرخواسته: نسبت به دادنامه شماره ۹۲/۶/۲۳-۴۲ صادره از شعبه ۵۴

دادگاه عمومی حقوقی تهران

### دادنامه تجدیدنظر

«تجدیدنظرخواهی آقای م.س. مدیر انتشارات ج. به طرفیت س.س. نسبت به دادنامه شماره ۴۲- ۹۲/۶/۲۳ صادره از شعبه ۵۴ دادگاه عمومی حقوقی تهران می‌باشد. بر اساس دادنامه موصوف راجع به دعوی سازمان تجدیدنظرخوانده به طرفیت: ۱- تجدیدنظرخواه؛ ۲- آقای ع. ر، به خواسته مطالبه خسارت و ضرر و زیان با این توضیح که کتاب «انگلیسی برای دانشجویان رشته ...» که به زبان انگلیسی و فاقد ترجمه جهت استفاده دانشجویان این رشته از سوی سازمان سمت چاپ گردیده لیکن خواندگان در قالب انتشاراتی به نام انتشارات ج. اقدام به ترجمه این کتاب و

انتشار آن با نام «راهنمای کامل انگلیسی برای دانشجویان رشته...» نموده‌اند و به جهت انتشار آن، فروش کتاب اصلی کم شده است. اجمالاً با این استدلال که حق ترجمه اثر مورد دعوی، متعلق به سازمان سمت بوده و هیچ شخصی بدون اجازه آن سازمان حق ترجمه و انتشار آن را نداشته است و با اتکا به نظریه کارشناسی که در نظریه مبنای محاسبه خسارات را میزان سود حاصل از فروش ترجمه لحاظ شده و به استناد مواد ۲ و ۸ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۱ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۵۲/۱۰/۶ و مواد ۲ و ۴ و ۶ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱، حکم به محکومیت تضامنی خواندگان به پرداخت مبلغ یکصد و بیست‌ودو میلیون ریال بابت خسارت مادی در حق تجدیدنظرخوانده صادر شده است. دادگاه نظر به مجموع محتویات پرونده و مستندات و مدافعات طرفین و اینکه: اولاً، صرف‌نظر از اینکه کتاب اصلی برگرفته از کتب دیگران بوده در هیچ‌یک از مستندات حکمی مصرح در حکم تجدیدنظرخواسته ترجمه اثر تألیفی منع یا منوط به اجازه مؤلف نگردیده است؛ ثانیاً، تجدیدنظرخوانده خسارت ناشی از ترجمه اثر بدون جلب رضایت خود را مطالبه نکرده بلکه خسارت ناشی از کاهش فروش کتاب منتشره خود را به جهت انتشار ترجمه آن مطالبه نموده است که ادعای کاهش فروش و وجود رابطه سببیت بین آن و انتشار ترجمه کتاب مذکور متکی به دلیل نیست؛ ثالثاً، با عنایت به عدم وجود حکم صریحی در قوانین موضوعه راجع به ضرورت أخذ مجوز مترجم از مؤلف به دلالت اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه، مکلف به یافتن حکم قضیه در منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر است. فلذا به دلالت استفتاء به عمل آمده از حضرت امام خمینی (ره) راجع به أخذ إذن مؤلف برای ترجمه، ایشان فتوا داده‌اند که برای ترجمه إذن مؤلف شرط نیست (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۸۷). بنابراین، دادگاه تجدیدنظرخواهی را وارد تشخیص و مستنداً به ماده ۳۵۸ قانون اخیرالذکر، دادنامه تجدیدنظرخواسته را نسبت به محکومیت تجدیدنظرخواه، نقض و حکم به بطلان دعوی تجدیدنظرخوانده نسبت به تجدیدنظرخواه صادر و اعلام می‌دارد. این رأی قطعی است.»

در تاریخ ۱۳۹۶/۸/۲۰ نشست نقد رأی با موضوع «مطالبه ضرر و زیان ناشی از نقض حق ترجمه اثر» توسط گروه حقوق مالکیت فکری پژوهشکده حقوق خصوصی در پژوهشگاه قوه قضائیه با حضور آقایان: دکتر سیدحسن میرحسینی، دکتر محسن اسماعیلی، محمدحسن امّی (رئیس شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران)، امیرحسین رمضانزاده (مستشار دادگاه تجدیدنظر)، سیدعطاءالله قیصری (مستشار دادگاه تجدیدنظر) و آقای رسول دوبحری بندری (رئیس سابق شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران) برگزار گردید که تفصیل آن به شرح ذیل است:

### متن نشست

**آقای دوبحری بندری:** در این پرونده، رئیس س.س. دادخواستی علیه مدیر انتشارات ج. و شخص مترجم کتاب «راهنمای کامل انگلیسی برای دانشجویان رشته ...» به خواسته «مطالبه خسارت» به دادگاه تقدیم می‌کند. در شرح خواسته آمده است: کتاب «انگلیسی برای دانشجویان رشته ...» را دو شخص به درخواست س.س. و با توجه به قرارداد به زبان انگلیسی نوشته‌اند. ضمناً در قرارداد، تمامی حقوق از جمله حق ترجمه اثر به س.س. واگذار شده است. انتشارات ج. کتاب مذکور را ترجمه کرده، با انتشار آن باعث کاهش فروش کتاب اصلی شده که از این بابت به س.س. خسارت وارد گشته است. درنهایت، دادگاه ترجمه کتاب بدون اجازه مؤلف یا قائم‌مقام وی را از موجبات تحقق مسئولیت مدنی دانسته و به استناد موادی از قانون مسئولیت مدنی، قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی و قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ و با اتکا به نظر کارشناس رسمی دادگستری که سود ناشی از فروش این ترجمه را به‌عنوان خسارت وارده به س.س. تعیین کرده، حکم به محکومیت تضامنی مترجم و ناشر صادر کرده است. شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران با تجدیدنظرخواهی مدیر انتشارات ج. وارد رسیدگی می‌شود. و از جمله مواردی که مورد توجه دادگاه تجدیدنظر بوده به قرار ذیل است:

۱) اساساً آن اثر اصلی به زبان انگلیسی متعلق به نویسندگان نبوده و مدارکی دال بر اقتباس عینی از کتب نویسندگان خارجی ارائه شده و مورد تأیید دادگاه تجدیدنظر قرار گرفته است. عبارت «...صرف‌نظر از اینکه کتاب اصلی برگرفته از کتب دیگران بوده...» مندرج در رأی دادگاه تجدیدنظر مفید همین مفهوم است.

۲) دادگاه تجدیدنظر معتقد است در هیچ‌یک از مستندات، حکمی مصرح در حکم تجدیدنظرخواسته اعم از قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی و قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، ترجمه اثر تالیفی، منع یا منوط به اجازه مؤلف نگردیده است؛ بنابراین، با نبود هیچ‌گونه حکم قانونی و مقرره‌ای، طبق اصل ۱۶۷ ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی باید به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر مراجعه شود و دادگاه در اینجا به فتوایی از امام خمینی (ره) در صحیفه نور استناد کرده و إذن مؤلف برای ترجمه را شرط ندانسته است.

۳) خسارتی که مورد مطالبه قرار گرفته ناشی از کاهش فروش کتاب به جهت انتشار ترجمه بوده و نه خسارت وارده از ترجمه اثر بدون جلب رضایت صاحب حق. به‌علاوه، ادعای کاهش فروش ثابت نشده است و به‌فرض اثبات کاهش فروش هیچ رابطه سببیتی بین این کاهش فروش و انتشار این ترجمه کتاب وجود ندارد.

درنهایت، بنا به تشخیص دادگاه، ترجمه این اثر حتی اگر بدون اجازه پدیدآورنده صورت گرفته باشد تخلف محسوب نشده، مستوجب مسئولیت مدنی نیست. البته موارد دیگری نیز به‌نحو فوق‌الذکر در تصمیم دادگاه مؤثر بوده است. النهایه، دادگاه تجدیدنظر اقدام به نقض رأی تجدیدنظرخواسته و ردّ دعوی بدوی می‌نماید؛ چراکه قاضی باید مطابق قانون عمل کند. شاید ترجمه اثر دیگری بدون اجازه وی از نظر عرفی امری ناپسند باشد اما واقعیت این است که با نبود چنین نصی در قانون مواجهیم. ضمن آنکه به کنوانسیون برن نیز ملحق نشده‌ایم. فتاوی علماء هم در این زمینه صراحتی ندارند و بیشتر مؤکد این هستند که اگر قانون مصوب یا قراردادی در این زمینه وجود داشته باشد ترجمه اثر، خلاف شرع است ولی ترجمه اثر دیگری به خودی خود بلامانع است. اگر بین طرفین (صاحب اثر و مترجم) قراردادی وجود داشته باشد نیز باید مطابق آن عمل شود که در فرض حاضر بین س.س. و افرادی که ترجمه اثر را منتشر کرده‌اند قراردادی وجود ندارد که بحث تخلف قراردادی موضوعیت یابد.

بدیهی است رأی دادگاه تجدیدنظر با توجه به جمیع جهات صادر گردیده و شاید می‌بایست مواردی مورد تأکید و برجستگی بیشتری قرار می‌گرفت اما با توجه به مشاهده کتاب مورد بحث، بی‌شک نگارندگان کتاب اولیه صرفاً به کپی‌برداری از کتب دیگران پرداخته‌اند، بی‌آنکه مطلبی به آن افزوده باشند؛ نظر به این مطلب، اصولاً این کتاب به‌موجب ماده ۲۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان قابل حمایت نبوده است. ذکر عبارت «صرف‌نظر از اینکه...» در رأی صادره به معنای اغماض از فقد اصالت کتاب نیست بلکه چنین مستفاد می‌شود که رأی متکی به آن نمی‌باشد و ضمن آنکه یک واقعیت خارجی است مستند حکم قرار گرفته است.

**آقای قیصری:** خواهان در این پرونده، خسارت ناشی از ترجمه بدون مجوز را مطالبه نکرده بلکه اظهار داشته به‌سبب نشر ترجمه، فروش کتاب اصلی کاهش یافته است. به‌عبارت‌دیگر، أخذ یا عدم أخذ مجوز برای ترجمه موضوع اصلی درخواست خواهان نیست. نکته دیگر، مربوط به برآورد خسارت است که نحوه برآورد آن در اینجا محل اشکال است. کارشناس، کلیه سود و درآمدی را که در نتیجه این انتشار عاید انتشارات ج. گشته، به‌عنوان خسارت در نظر گرفته است که مورد قبول نیست.

در مستنداتی که دادگاه نخستین به آن‌ها استناد کرده، هیچ منعی برای ترجمه یا لزوم کسب مجوز از مؤلف وجود ندارد. در این رأی به ماده ۱ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی استناد شده و این ماده راجع به حقوق و حمایت از مترجمی است که اقدام به ترجمه یک اثر نموده است و نه اعانت از پدیدآورنده اثری که مورد ترجمه واقع شده. پس این مستند قانونی با این موضوع، غیرمنطبق و ذکر آن در این رأی، ناصحیح و غیرمرتبط با موضوع است.

همچنین به ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان استناد شده که این ماده در باب «اثرهای مورد حمایت قانون» است و موضوعاً با حکم صادره بی‌ارتباط می‌باشد. مستند دیگر این حکم، ماده ۴ قانون اخیرالذکر است که حقوق معنوی پدیدآورنده اثر را محدود به زمان و مکان ندانسته و آن را غیرقابل انتقال می‌داند که ماده مزبور نیز به این موضوع بی‌ارتباط است؛ بنابراین با توجه به مطالب گفته‌شده، مستندات حکمی رأی دادگاه بدوی منطبق با موضوع نیست.

دادگاه بایستی به ماده ۵ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان استناد می‌کرد. البته ماده مذکور در این باره صراحتی ندارد اما شاید از وحدت ملاک ماده بتوان حکمی در مورد ترجمه اثر استخراج نمود. مطابق این ماده پدیدآورنده آثار مورد حمایت این قانون می‌تواند استفاده از حقوق مادی خود را از جمله در موارد ذکر شده در این ماده، به دیگری واگذار کند. با استفاده از وحدت ملاک ماده ۵ قانون یاد شده می‌توان استنباط کرد از آنجا که پدیدآورنده در مورد ترجمه اثر حق مادی دارد، پس ترجمه اثر هم بایستی با مجوز او صورت گیرد. البته عقیده بر این است که این ماده در این امر صراحتی ندارد، بلکه نتیجه استفاده از وحدت ملاک ماده این است که انجام ترجمه یک اثر جزء حقوق مادی پدیدآورنده است؛ اما در خصوص اینکه اگر کسی بدون مجوز پدیدآورنده اقدام به ترجمه اثر نماید، پدیدآورنده به دلیل ترجمه بدون مجوز اثرش مستحق مطالبه خسارت باشد، محل بحث است.

نکته دیگر اینکه در پرونده مزبور بحث تألیف به‌عنوان تولید فرآورده فکری مطرح نبوده و مؤلفان کتاب اولیه قسمت‌هایی از کتاب‌هایی به زبان انگلیسی را به‌صورت بخش‌بخش در کتاب خود قرار داده‌اند و متون کتاب زاینده فکر خود مؤلفین نبوده، لذا از این جهت فاقد اصالت است.

با توجه به اینکه راجع به موضوع با سکوت قانون مواجهیم و از طرفی به کنوانسیون برن نیز ملحق نشده‌ایم، با عنایت به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی، مکلف هستیم به منابع فقهی و فتاوی معتبر رجوع نماییم که در رأی دادگاه تجدیدنظر به جهت خلأ قانونی به فتاوی امام (ره) مراجعه شد مبنی بر اینکه ترجمه اثر، نیازی به جواز از ناحیه مؤلف ندارد؛ لذا تشخیص داده شد که مطالبه خسارت جایز نیست.

**آقای اُمّی:** اشکالی که در این پرونده وجود دارد اینکه خواهان، خسارت ناشی از ترجمه بدون مجوز را مطالبه نکرده، بلکه خسارت منبعت از کاهش فروش کتب خود را مطالبه نموده و دادگاه نیز در همین مسیر حرکت کرده است؛ در حالی که بحث اصلی، لزوم یا عدم لزوم اخذ مجوز از پدیدآورنده اثر است. نکته دیگر اینکه در قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸



سخن از «پدیدآورنده» است؛ یعنی کسی که اثر را پدید آورده و در این مورد میان «مؤلف» یا «نویسنده» تفاوتی نیست؛ بنابراین، هر فردی که اثری را خلق نماید مطابق قانون، پدیدآورنده محسوب شده و دارای حقوق مشخصی است.

بند ۵ ماده ۵ قانون اخیر (ترجمه و نشر و تکثیر و عرضه اثر از راه چاپ و نقاشی و عکاسی و گراور و کلیشه و قالب‌ریزی و مانند آن)، حق ترجمه اثر را از حقوق مادی پدیدآورنده می‌داند و ترجمه اثر منوط به اجازه پدیدآورنده خواهد بود؛ و آنچه از ماده مزبور استنباط می‌گردد اینکه «نیاز به إذن و اجازه» برجسته می‌نماید. طبق این ماده، پدیدآورنده اثرهای مورد حمایتی این قانون می‌تواند استفاده از حقوق مادی خود را در کلیه موارد از جمله در موارد زیر به غیر واگذار کند. خواهان در این پرونده به کاهش فروش کتاب خود که ناشی از انتشار و فروش کتاب ترجمه شده است استناد نموده که می‌توانست حق خود را بر مبنای سوءاستفاده ترجمه‌کنندگان و نقض حق ترجمه خود مطالبه نماید.

استدلال دیگر اینکه ماده ۱۹ حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ هرگونه تغییر در اثرهای مورد حمایت و نشر آن بی‌اجازه پدیدآورنده را ممنوع اعلام می‌کند و ترجمه، مصداقی از تغییر در اثر است؛ بنابراین، ترجمه اثر نیز مشمول این ماده می‌شود و انجام آن صرفاً با مجوز پدیدآورنده مجاز می‌باشد. در مواردی استدلال شده که چون قانونگذار برای ترجمه اثر بدون مجوز پدیدآورنده مجازات در نظر نگرفته پس این امر مجاز است. در این مورد باید گفت مقنن به هر دلیلی قصد بر جرم‌انگاری چنین عملی نداشته ولی این موضوع مبین مجاز بودن ترجمه اثر بی‌إذن مؤلف نیست.

افزون بر آن، فقهای امروز در این باره که تقریباً تمامی کتاب‌های دانشگاهی مورد استفاده در رشته‌های علوم، بدون رعایت حقوق مؤلف یا کپی‌رایت و به‌صورت غیرقانونی در ایران تکثیر یا ترجمه شده‌اند، اختلاف نظر دارند. برای نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی در پاسخ بدین پرسش که حکم استفاده از چنین کتاب‌هایی چیست، فرمودند: «تکثیر کتاب‌ها بدون رضایت صاحبان اصلی آن جایز نیست مگر اینکه از کفار حربی باشند»؛ و همچنین در مقام پاسخ‌گویی به این سؤالات که آیا فرد به‌عنوان مترجم اجازه دارد این کتاب‌ها را ترجمه کند یا خیر و یا درآمد حاصل از آن حلال

است یا خیر، برآمدند: «در صورتی که آنها نسبت به ترجمه حقوقشان را محفوظ داشته باشند استفاده از آن اشکال دارد مگر کشورهایی که با مسلمانان عملاً در حال پیکار هستند». به هر حال بسیاری از فقها ترجمه بی‌إذن صاحب حق را دارای اشکال می‌دانند. از آنجاکه فتوای حضرت امام هم صریح نیست لذا با توجه به مواد ۵ و ۱۹ قانون مذکور، محلی برای استناد به فتاوی معتبر از جمله فتوای امام (ره) در این رأی نبوده و رأی مرجع نخستین از این جهت صحیح و غیر قابل نقض است.

### آقای رمضان زاده: در خصوص موضوع مورد بحث و بررسی این نشست بیان

نکاتی چند لازم به نظر می‌رسد:

نکته نخست اینکه، بحث مطالبه خسارت در موضوع این پرونده، بحثی است ثانوی که موکول به اثبات تعدی به حقوق مادی صاحب اثر یا نقض حقوق مادی وی است، لذا خارج از موضوع بحث جلسه حاضر می‌باشد.

نکته دوم، شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر در صورتی که بنا به توضیح، اثر را قابل حمایت و به جهت کپی بودن دارای اصالت نمی‌دانست، می‌بایست در رأی خود به این موضوع تصریح می‌نمود و تکلیف قابل حمایت بودن یا نبودن اثر را روشن می‌ساخت؛ زیرا اگر اثر فاقد حمایت قانون و اصالت باشد، خسارت ناشی از ترجمه شدن این اثر قابل مطالبه نیست. صرف نظر نمودن از بحث پیرامون اصالت اثر در رأی مرجع مربوطه منجر به نادیده گرفتن مطلب اصلی پرونده است.

مستند لزوم أخذ مجوز برای ترجمه اثر در منطوق ماده ۵ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان آمده است. نمی‌توان بر آن بود که پدیدآورنده می‌تواند حق ترجمه را به دیگری واگذار کند و در عین حال هرکسی بتواند نسبت به ترجمه اثر اقدام نماید؛ مانند این است که شخصی را مالک شیء بدانیم و در آن واحد به دیگران هم حق استفاده از آن شیء را بدهیم با این استدلال که قانون، استفاده دیگران را منع نکرده است.

در مورد استفتاء از امام (ره) نیز ایشان فرمودند: «حق طبع و نشر، بدین معنا که کتابی را که کسی چاپ کرده و نشر نموده دیگری حق نداشته باشد با به دست آوردن یک نسخه از آن، آن را تجدید چاپ و نشر نماید، شرعی نیست ولی اگر دولت اسلامی مصلحت دید [و] مقرراتی در این باره وضع نمود مراعات آن لازم

است». پاسخ ایشان در مورد ترجمه اثر بدون مجوز پدیدآورنده صراحتی ندارد. به علاوه، دولت اسلامی در این مورد حکم وضع نموده و اگر قرار بر رجوع به استفتاء ایشان باشد موضوع مشمول قسمت انتهایی پاسخ ایشان خواهد بود.

**دکتر میرحسینی:** همان طور که بیان شد مستندات مذکور در رأی بدوی مربوط به موضوع دعوی نیست. بهتر می بود خواهان دعوی، خسارت ناشی از عدم مجوز برای ترجمه را مطالبه می نمود، زیرا این موضوع در ملاک و نحوه تعیین خسارت مؤثر است. ادعای کلی به عنوان کاهش فروش ممکن است ناشی از عوامل مختلفی باشد و نه لزوماً ناشی از انتشار ترجمه کتاب در بازار.

حق ترجمه اثر به زبان دیگر و بهره برداری از آن، حقی شناخته شده و متعلق به خود پدیدآورنده است و چنانکه گذشت به موجب بند ۵ ماده ۵ قانون مصوب ۱۳۴۸ شناسایی شده است. در قانون مصوب ۱۳۴۸، اثر ترجمه شده به صورت مستقل شناسایی نشده بود؛ لذا قانون ترجمه و تکثیر کتب نشریات و آثار صوتی این ابهام را برطرف نمود. یقیناً ترجمه یک اثر با حق ترجمه به عنوان مصداقی از حقوق مادی متفاوت است و بین این دو مورد بایستی تفکیک قائل شد. اگر مطلب مذکور در مورد اقتباس بیش از حد کتاب اصلی از کتب نویسندگان خارجی، در رأی مورد توجه قرار می گرفت و به آن پرداخته می شد می توانست دلیل و مبنایی برای صدور رأی تجدیدنظر باشد.

در وضعیت فعلی با توجه به بند ۵ ماده مزبور، اگر این اثر را به عنوان اثر تألیفی بپذیریم، حق ترجمه جزء حقوق مسلم پدیدآورنده این اثر خواهد بود و شکی در لزوم أخذ اجازه از دارنده حقوق جهت ترجمه وجود ندارد.

در مورد اینکه اثر دوم (ترجمه به زبان فارسی) دارای مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است باید گفت این مجوز صرفاً به عنوان اماره برای مؤلف ارزش دارد و خلاف آن قابل اثبات است؛ لذا مجوز وزارت ارشاد به معنای تجویز ترجمه اثر و یا صدور مجوز به مفهوم تأیید رعایت حقوق دیگران در این اثر نخواهد بود. حتی در گواهی صادره درج می شود که «این گواهی به این معنا نیست که این اثر متعلق به فرد مورد نظر است». دادگاه تجدیدنظر می بایست پس از اصلاح مستندات رأی دادگاه بدوی، آن را تأیید می نمود و نیازی به رجوع به نظر فقها وجود نداشت.

از نظر فقهی در مورد حق ترجمه، فقها به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته‌ای از فقها مشروعیتی برای حق ترجمه قائل نیستند که این گروه برای حفظ حق ترجمه دو راه حل ارائه می‌دهند:

**راه حل اول**، شرط ضمن عقد است؛ اگر چنین شرطی صریح و روشن باشد و به اطلاع خریدار برسد که وی حق ترجمه اثر را ندارد، او (خریدار) از ترجمه اثر منع می‌شود. البته چنین راه حلی امکان‌پذیر و راهگشا نیست.

**راه حل دوم**، مصلحت‌اندیشی حکومت اسلامی است؛ طبق باور برخی فقها در صورتی که حکومت مصالحی را در حمایت از حق ترجمه شناسایی کند می‌تواند اقدام به قانونگذاری نماید. این فوج که برای حق ترجمه مشروعیت قائل هستند بنا به دلایلی که به آن استناد می‌کنند به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروه نخست، بنای استدلال خود را بر احکام اولیه قرار می‌دهند با این استناد که مطابق قاعده «تسلیط»، مردم بر اموال خود مسلط هستند و مال نیز مفهوم عرفی دارد و هر آنچه مورد خرید و فروش واقع شود و ارزش اقتصادی داشته باشد «مال» تلقی می‌شود. با چنین استدلالی پدیدآورنده در مورد اثر خود و ترجمه یا عدم ترجمه آن، حق تصمیم‌گیری دارد. گروه دوم، فقهای هستند که به احکام ثانویه خصوصاً به قاعده «لاضرر» استناد می‌کنند. با این باور که قاعده مزبور علاوه بر نفی حکم ضرری، در مواردی برای دفع ضرر، جعل حکم نیز می‌کند؛ بنابراین اگر نبود حق ترجمه، موجب ضرر به دارنده حق شود، لزوم أخذ مجوز برای ترجمه را از قاعده استخراج می‌کنند.

صرف‌نظر از مباحث فقهی، امروزه معیار، فقهای شورای نگهبان هستند که اکثریت آن‌ها بعد از انقلاب مصوباتی را که در حوزه مالکیت فکری به تصویب مجلس رسیده، تأیید نموده‌اند. فلذا این مقررات مابینتی با شرع ندارند.

**دکتر اسماعیلی:** تحلیل آراء صادره در سه محور خلاصه می‌شود:

- (۱) کدام دادنامه با قانون و انصاف منطبق است؟
- (۲) آیا مستندات رأی بدوی صحیح است یا خیر؟
- (۳) آیا روش تعیین خسارت در این مورد صحیح بوده و در این مورد چه ملاکی بایستی مدنظر باشد؟

در ارتباط با اصل موضوع، همان‌طور که بیان شد، بند ۵ ماده ۵ قانون مصوب ۴۸ در این مورد صراحت دارد و اگر دادگاه بدوی به این ماده استناد می‌نمود بلاشکال بود. اینکه آیا اثر مورد نظر اثری تألیفی است یا خیر، باید به مرحله قبل از ایجاد حق رجوع کرد. برای مورد حمایت قرار گرفتن اثر، در قانون شروطی وجود دارد: یکی اینکه، صرف‌نظر از قالب، در عالم خارج تجسم یافته باشد؛ دودیکر اینکه برای اولین بار در ایران چاپ و منتشر شده باشد؛ و چون این اثر در قالب کتاب در ایران منتشر شده، لذا مورد حمایت قانون است. ضمن بیان این نکته که با عنایت به بند ۵ ماده فوق‌الذکر، نیازی به رجوع به فتاوی فقها نبوده، باید گفت نظرات آنان در این باره یکسان نیست؛ چنانکه نظر امام (ره) نیز در مورد ترجمه صراحتی ندارد. به‌طور کلی رأی دادگاه بدوی حداقل در خصوص محکومیت، صرف‌نظر از مستندات آن، صحیح است.

بحث دوم اینکه قطعاً مستندات قانونی دادگاه بدوی صحیح نیست و هیچ‌یک از مواد مذکور در رأی (حتی مواد مربوط به قانون مسئولیت مدنی) به موضوع ارتباطی ندارند.

پیرامون این مطلب که خواهان صرفاً خسارت ناشی از کم شدن فروش کتابش را مطالبه کرده و بایستی خسارت ناشی از نقض حق ترجمه را مطالبه می‌کرد باید اذعان نمود وقتی حقوق مادی صاحب اثر نقض شده و وی در این مورد طرح دعوی می‌کند مفروض این است که طرح دعوی به‌منزله مطالبه خسارت ناشی از نقض است؛ حال اینکه خواهان در دادخواست به‌نوعی روش تعیین خسارت را تعیین کرده موضوعیتی ندارد و به نظر می‌رسد می‌توان مطالبه خسارت ناشی از نقض حق ترجمه اثر را از دادخواست وی استنباط نمود.

با توجه به روش‌های مختلف موجود در تعیین خسارت، روش به‌کار گرفته شده برای تعیین آن (خسارت) غیرقابل دفاع است. در حقوق مالکیت فکری برای تعیین میزان خسارت معمولاً دو روش کلی وجود دارد: یکی اینکه میزان سود حاصله توسط ناقض به‌عنوان میزان خسارت در نظر گرفته می‌شود، اما روش دیگر، که به‌ویژه در انگلستان حاکم است، «اصل استفاده‌کننده/ مصرف‌کننده» است؛ بدین معنا که فرضاً اگر صاحب حق قرار بود حق ترجمه این اثر را در شرایط معمول به

کسی واگذار نماید، چه مبلغی را برای حق کپی‌رایت در نظر می‌گرفت تا مبلغ مزبور به‌عنوان میزان خسارت تلقی گردد؟ به نظر می‌رسد کارشناس می‌بایستی از روش دوم استفاده می‌کرد و ارزش حق ترجمه را به این شیوه تعیین می‌نمود؛ بنابراین، با توجه به عدم موجودیت رویه ثابت در این زمینه، استفاده از روش دوم به انصاف نزدیک‌تر بود.

### نتیجه

با عنایت به موارد مندرج در آراء مراجع بدوی و تجدیدنظر، اکثریت حاضرین با رأی صادره توسط دادگاه بدوی، صرف‌نظر از مستندات قانونی مورد ارجاع، موافق هستند.